انترناسونال ٧٢٥

محمد آسنگران

**رفراندم در کردستان عراق**

رفراندم استقلال کردستان عراق قرار است در تاریخ ٢٥ سپتامبر سال جاری برگزار شود. در این مورد پرسش هایی را با محمد آسنگران در میان می گذاریم:

خلیل کیوان : از مقطع حمله آمریکا به عراق در سال ١٩٩١ و قیام در مناطق کردنشین علیه رژیم بعث، جدائی عملی کردستان عراق از دولت مرکزی تحقق یافت. از آن مقطع تا به امروز، کردستان تحت حاکمیت احزاب و نیروهای کرد، خودمختار بوده است. تقرییا یک ربع قرن از شروع این جدایی می گذرد. چرا برگزاری رفراندم اینقدر بتعویق افتاد؟

محمد آسنگران: احزاب ناسیونالیست کرد با رفراندوم برای استقلال کردستان مخالف بودند. دلیل اصلی به تعویق افتادن رفراندوم، مخالفت احزاب حاکم بر کردستان عراق بود. زیرا، هر کدام از این احزاب سرشان به دولتی وصل بود. بویژه اینکه، حزب اتحادیه میهنی با جمهوری اسلامی و حزب بارزانی با ترکیه رابطه ای گرم داشتند و این رابطه، فراتر از مراودات دیپلماتیک و اقتصادی بود. آنها به نوعی تحت امر این دولتها بودند. اما مهمتر از این فاکتور، آنها خود را در چهارچوب سیاست آمریکا قرار داده بودند. بویژه حزب بارزانی رابطه بسیار قدیمی با آمریکا داشت. رابطه حزب بارزانی با آمریکا و اسرائیل به اواخر دهه ٦٠ و اوایل دهه ٧٠ میلادی برمیگردد. این احزاب بیش از اینکه مسئله شان حل مسئله کرد باشد، هدفشان سهیم شدن در قدرت مرکزی بود. همه این احزاب خود را نماینده بورژوازی کرد میدانستند و از سهم شان نسبت به بورژوازی مرکز ناراضی بودند. از ضعف صدام حسین از دهه ٩٠ تا ٢٠٠٣ استفاده کردند و آن سهمی را که انتظار داشتند به دست آوردند. زیرا بر کلیه درآمدها و سرمایه و اقتصاد و سیاست مناطق کرد نشین تسلط پیدا کردند. در عین حال، میدانستند که با حل مسئله کرد ضرورت وجودی آنها، یا فلسفه ای که بر آن بنا نهاده شده بودند از بین میرفت. حتی بعد از سرنگونی صدام حسین، "پول بریمر" نماینده تام الاختیار آمریکا، در خاطراتش نوشته است که بعد از سرنگونی صدام حسین ما انتظار داشتیم که احزاب کرد اعلام کنند جدا میشوند و ما به این فکر میکردیم چگونه آنها را قانع کنیم که این کار را نکنند. وقتی در جلسه ای برای تعیین تکلیف آینده عراق با آنها نشستیم گفتیم شما چه انتظاری دارید و آنها درخواست چند میلیون دلار کردند. ما هم بلافاصله با خواست آنها موافقت کردیم و...

خلیل کیوان: چرا وضعیت فعلی پایدار نیست؟ راه حل های خودمختار و یا فدرالی چه ایرادی دارند؟ همین امروز کشورهایی بصورت فدرالی اداره می شوند. نظام های سیاسی آلمان و آمریکا فدرال هستند. شوروی سابق مجموعه ای از دول خودمختار بوده است. چرا یکی از این دو راه حل برای حل مساله کرد در دستور قرار نمی گیرد؟

محمد آسنگران: ابتدا لازم است بگویم نه فقط ما بلکه، احزاب حاکم و اپوزیسیون کردستان عراق بارها بشکل رسمی اعلام کرده اند که طرح و حکومت فدرالیستی در عراق و کردستان عراق شکست خورده است. اما اگر شکست هم نمیخورد همچنانکه ما سالهای سال است میگوییم، طرح خودمختاری و فدرالی کردن کردستان عراق و هر جای دیگری در این شرایط نتیجه ای بجز تعمیق تفرقه قومی و دائمی کردن هویت قومی نخواهد بود. تجربه کردستان عراق اینرا ثابت کرد و اکنون استدلال زیادی لازم نیست. آمریکا و آلمان و... اگر فدرالی هستند تقسیمات آن بر اساسا ملیت و قومیت نیست بلکه یک کشور را به شکل استانی به فدرالهای مختلف تقسیم کرده اند و عملا هم، نه از ابتدا و نه امروز مسئله آنها ملی و قومی نبوده است. اما نمونه شوروی سابق نمونه خوبی نبود و آنجا بر اساس ملیتهای مختلف کشورهای فدراتیو درست کرده بودند. دیدیم بعد از دهه نود میلادی و شکست بلوک شرق همه آنها دوباره رفتند همان احساسات ملی را باد زدند و کشورهای مجزا را برپا کردند. بنابراین، راه حل مسئله ملی این نیست که با طرح خودمختاری و فدرالیسم سراغ آن برویم. اگر جایی چنین مسئله ای هست و راه حل میطلبد باید از طریق مراجعه به رای مردم سرنوشت آنرا مشخص کرد. مردم باید در یک رفراندوم رای به جدایی یا ماندن در کشور مربوطه بدهند و نتیجه رای مردم هر چه باشد، باید رسمیت پیدا کند. اما توصیه جدایی در هر موردی تابع اوضاع سیاسی مشخص است. مثلا ما در مورد حل مسئله کرد در کردستان عراق توصیه و سیاستمان این است که طی یک رفراندوم مردم به جدایی از عراق رای بدهند بهتر است. زیرا از این طریق هم مسئله کرد حل میشود هم بلاتکلیفی طولانی مدت کردستان عراق تعیین تکلیف میشود. اما در مورد کردستان ایران چنین سیاستی و چنین توصیه ای نداریم و آنرا درست نمیدانیم. بنابراین، توصیه به جدایی به فاکتورهای سیاسی هر دوره ای مربوط است که بدانیم جدایی یا ماندن کدام یک به نفع مردم است.

خلیل کیوان: تشکیل حکومت خودگران کردستان موازنه قدرت را در منطقه تحت تاثیر قرار داده است. دولت های ترکیه و ایران که خودشان هم با مساله کرد روبرو هستند از مخالفین جدی برگزاری رفراندم هستند. هشدار می دهند و تهدید می کنند و از حکومت خودگردان می خواهند که از برگزاری رفراندم صرفنظر کند. بارزانی هشدار داده است که حشدالشعبی، نیروی دست ساز ایران در عراق، نباید اجازه ورود به مناطق کردنشین را داشته باشند. نیروهای نظامی ترکیه با با نیروهای کرد درگیر هستند. سرلشکر باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران به ترکیه سفر کرده است و در دیدار با مقامات نظامی و سیاسی ترکیه نسبت به برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان عراق هشدار داده اند. آیا ایران و ترکیه در موقعیتی هستند که بتوانند مانع برگزاری رفراندم شوند و یا اخلالی در این روند ایجاد کنند؟

محمد آسنگران: ترکیه و ایران میتوانند اخلال ایجاد کنند اما نمیتوانند مانع برگزاری رفراندوم بشوند. تنها نیرویی که امکان و قدرت ممانعت از رفراندوم را دارد آمریکا است. زیرا بدون حمایت آمریکا از اقلیم کردستان آنها نیروی قابل اتکایی در مقابل جمهوری اسلامی و ترکیه نیستند. بنابر این تا وقتیکه روابط اقلیم کردستان عراق و آمریکا چنین است، ترکیه و ایران نمیتوانند مانع ایجاد کنند. درعین حال ترکیه علیرغم اعلام مخالفتش با رفراندوم و استقلال کردستان عراق کمتر نگران این بخش از کردستان است. اساس نگرانی ترکیه کردستان سوریه است. زیرا کردستان سوریه نیرویی حاکمیت را در دست گرفته که متحد پ.ک.ک است و ترکیه هم با پ.ک.ک در جنگ است. علاوه بر این، از نظر استراتژیک ترکیه قبل از هر چیز نگران استقلال کردستان سوریه است. سران حکومت ترکیه مرتب اعلام کرده اند که یک کشور مستقل در شمال سوریه با حاکمیت پ.ی.د. و نیروهای متحد پ.ک.ک را تحمل نمیکنند. اما جمهوری اسلامی با کارت فشار دولت بغداد و نزدیکیش به بعضی از احزاب ناسیونالیست کرد عراق بازی میکند. به دلیل حضور و حمایت آمریکا از اقلیم کردستان عراق جمهوری اسلامی توان و امکان دخالت نظامی ندارد تا بخواهد مانع رفراندوم و استقلال کردستان عراق بشود. کاری که میتواند انجام دهد این است که روابطش را قطع کند و از طریق دولت بغداد جنگی را علیه نیروهای حاکم بر کردستان عراق سازمان بدهد. در شرایط کنونی راه انداختن جنگ کار سخت و حتی غیر ممکنی بنظر میرسد. زیرا حکومت بغداد بدون حمایت آمریکا توان دفاع از خودش را در مقابل مخالفینش ندارد. آمریکا هم متحد حکومت اقلیم کردستان عراق است.

سفر اخیر هیئتی از فرماندهان نظامی رده بالای جمهوری اسلامی به ترکیه یکی از دستور کارهایش ممانعت از استقلال کردستان عراق و سوریه است. اما آنها هر تصمیمی بگیرند نمیتوانند بر خلاف سیاست آمریکا در اقلیم کردستان اقدام جدی انجام بدهند.

خلیل کیوان: دول دیگری، چه در صحنه بین المللی و چه در خاورمیانه بر این روند تاثیر گذارند. سیاست دولتهای آمریکا، اسرائیل و عربستان در قبال برگزاری رفراندم چیست؟ بنظر می رسد اروپائیان از برگزاری رفراندم و تشکیل حکومت کرد حمایت می کنند. آیا رفراندم و تشکیل دولت کردی خود به موضوع منازعات بعدی و صف بندی ها و کشمکش های تازه در منطقه و شروع مصائب تازه تر منجر نمی شود؟

محمد آسنگران: ابتدا بگویم که در آخرین گفتگوی تلفنی وزیر خارجه آمریکا با مسعود بارزانی خواهان به تعویق انداختن رفراندوم شده بود. بنابراین، میتوان گفت مخالفت آمریکا دو پهلو است. از یک طرف خواهان حفظ تمامیت ارضی کشور عراق است و از طرف دیگر وزیر خارجه آن خواهان به تعویق انداختن رفراندوم شده است نه مخالفت قطعی با آن. عربستان نه مخالفت و نه توافق خود را اعلام نکرده است. اسرائیل تنها کشوری است که تعدادی از مقاماتش اعلام کرده اند از استقلال کردستان عراق حمایت میکنند. اروپا هم مخالفت یا موافقتی اعلام نکرده است اما، نگرانی خود را از استقلال کردستان بارها اعلام کرده است. گفته اند با استقلال کردستان تمرکز و اتحاد علیه داعش تضعیف خواهد شد. اما اینکه رفراندوم باعث کشمکش و یا منازعات بعدی بشود، احتمالش کم است. چنین کشمکشها و صفبندیهایی با استقلال کردستان عراق میتواند بوجود بیاید. زیرا احزاب حاکم بر کردستان اعلام کرده اند رفراندوم بلافاصله به معنی استقلال کردستان عراق نیست. با توجه به ماهیت این احزاب استقلال ممکن است سالها طول بکشد و اعلام نشود.

خلیل کیوان: برگزاری رفراندم و تشکیل کشور مستقل کردستان چه تاثیری بر اوضاع سیاسی ایران و بویژه بر کردستان خواهد داشت؟

محمد آسنگران: تشکیل کشورکردستان در شمال عراق قطعا تحول مهمی در تغییر موازنه قدرت در منطقه خواهد بود. اگر چنین کشوری تشکیل شود به این معنی است که موقعیت جمهوری اسلامی هم در عراق و هم در منطقه تضعیف خواهد شد. علاوه بر این، گرایش استقلال طلبانه در میان احزاب ناسیونالیست کردستان ایران هم تقویت میشود. اما با توجه به پیشینه تاریخی کردستان در جامعه ایران و حضور قدرتمند جنبش چپ و آزادیخواهی در کردستان ایران و مخالفت احزاب چپ و کمونیست ایرانی با گرایش استقلال طلبانه، در کوتاه مدت و میان مدت شانس زیادی ندارند. در دراز مدت هم به این بستگی دارد که چه تحولاتی در جامعه ایران اتفاق میفتد و روند تحولات منطقه به چه سمتی سیر خواهد کرد.

خلیل کیوان: فضای عمومی در کردستان و مباحث و صف بندی های نیروهای مختلف در کرستان عراق نسبت به برگزاری رفرندام چگونه است و چه تاثیری در برگزاری رفراندم خواهد گذاشت؟

محمد آسنگران: تا کنون دو حزب گوران (تغییر) و جمعیت اسلامی درخواست کرده اند تاریخ رفراندوم به تعویق بیفتد. اگرچه اکثریت احزاب کردستان عراق بویژه دو حزب بارزانی و اتحادیه میهنی که دارای نیروی مسلح هستند تاریخ رفراندوم را ٢٥ سپتامبر ٢٠١٧ اعلام کرده اند. اما گروهها و شخصیتهای نه چندان با نفوذی هم مخالفت خود را با رفراندوم اعلام کرده اند. اگر این نوع مخالفتهای داخل کردستان عراق در کنار تنفرعمومی مردم علیه حکومت اقلیم و مخالفتهای منطقه ای و جهانی ببینیم که اکثر آنها خواهان به تعویق انداختن رفراندوم هستند، فشار مخالفین زیاد است و این احتمال -هر چند ضعیف- وجود دارد که رفراندوم را به تعویق بیندازند. میگویم احتمال آن ضعیف است زیرا احزاب موافق رفراندوم میدانند که اکثریت مردم به جدایی رای خواهند داد. در چنین حالتی تاثیر مهمی بر سرنوشت انتخابات پارلمان و انتخاب رئیس اقلیم کردستان در نوامبر امسال خواهد گذاشت. احزاب مخالف کنونی اگر همچنان بر مخالفت خود برای تعویق رفراندوم پافشاری کنند بعد از انتخابات نوامبر احتمالا ضعیف تر از امروز خواهند بود. بنابر این، بارزانی و اتحادیه میهنی با توجه به این حسابگری و با اتکا به تمایل غیر رسمی آمریکا با این رفراندوم، میخواهند با انجام آن موقعیت خود را در افکار عمومی بهبود ببخشند. زیرا مردم عمیقا از آنها متنفر هستند.

خلیل کیوان: گفته میشود طی بیست و پنج سال حاکمیت خودگردان در کردستان عراق ستم ملی وجود نداشته و عملا مساله کرد در چارچوب کشور عراق حاشیه ای شده و یا از بین رفته است. احزاب کرد در قدرت بوده اند. کارنامه این حاکمیت افزایش شکاف طبقاتی، فساد، ارتشاء، بی حقوقی و مصائب بیش از پیش برای مردم کردستان بوده است. همانطور که اشاره کردید مردم از حاکمین کردستان متنفرند. علیرغم این، چرا مردم خواهان برگزاری رفراندم هستند؟

محمد آسنگران: این درست است که مردم کردستان بشدت ناراضی و حتی از این احزاب متنفر هستند اما، تاریخ کشتارها و خانه خرابیها و بمبارانها و کشتارهای جمعی یک قرن گذشته علیه این مردم چنان ترس و نگرانی و نا امنی عمیقی بوجود آورده است که تحت هر شرایطی خواهان جدا شدن از عراق و تشکیل کشور مستقل هستند. حتی مخالفین رفراندم در کردستان عراق، فقط با تاریخ تعیین شده مخالف هستند نه با اصل رفراندوم و استقلال کردستان. اینکه گفته میشود مسئله کرد حاشیه ای شده است واقعی نیست. این یک تصور ذهنی و غیر واقعی کسانی است که می گویندد چون در ٢٥ سال گذشته ستم ملی اعمال نشده، پس مسئله کرد هم، حاشیه ای شده یا از بین رفته است. این طور فکر میکنند که چون مسئله کرد در نتیجه ستم ملی ایجاد شده است با از بین رفتن ستم ملی مسئله ملی هم کم رنگ شده یا از بین رفته است. این منطق شبیه به منطق ریاضی است در حالیکه منطق مسائل اجتماعی طور دیگری عمل میکند. چنین افرادی نه شناخت درستی از مسائل کردستان دارند و نه شناخت شان از مسائل اجتماعی درست است. رابطه ستم ملی و مسئله ملی اینطور نیست که با از بین رفتن اولی دومی هم اتوماتیک حاشیه ای میشود یا از بین میرود. اگر اینطور بود و این معادله درست بود نباید تفکیکی بین این دو مقوله یعنی ستم ملی و مسئله ملی و راه حلهای آنها قائل میشدیم. زیرا رفع ستم ملی از منظر آنها پاسخ مسئله ملی هم هست. ما هم در برنامه حزب و هم در ادبیات کتبی خود بارها اعلام کردیم که راه حل ستم ملی رفع این ستم از طریق برابری حقوقی همه شهروندان است. اما راه حل مسئله ملی رجوع به آراء مردم برای ماندن یا جدا شدن از کشور مربوطه است.

بنابر این در جایی که مسئله ملی بوجود آمده است با رفع ستم ملی خودبخود تمام نمیشود. به همین دلیل ما در برنامه حزب در مورد کردستان علاوه بر رفع ستم ملی راه حل جداگانه ای برای حل مسئله ملی یا مسئله کرد را تصویب کردیم. اما در مورد آذربایجان و بلوچستان و... فکر نمیکنیم ستم ملی به مسئله ملی تبدیل شده است و فقط بر رفع ستم ملی تاکید داریم.

خلیل کیوان: با این اوصاف، شما هنوز فکر می کنید راه حل مساله برگزاری رفراندم است. چرا؟

محمد آسنگران: بله، از نظر من مسئله کرد در کردستان عراق همچنان لاینحل مانده است. اختلاف و شکاف ملی بین مردم کرد و عرب اگر نسبت به گذشته بیشتر نشده باشد، کمتر نشده است. همین استقلال دو فاکتو در کردستان عراق که نه کشوری مستقل است و نه بخش ارگانیک و اینتگره ای از کشور عراق است، ناشی از بی اعتمادی و اختلافی است که قبلا مسئله ملی را بوجود آورده و این اختلاف و بی اعتمادی همچنان ادامه دارد. تا وقتیکه جدال ناسیونالیسم کرد و عرب از بین نرفته است و یا رفراندومی برگزار نشده است که مردم تصمیمشان برای ماندن یا جدایی از عراق را اعلام کنند، مسئله ملی همچنان خواهد ماند.

اما یک دلیل مهم دیگری - که رفراندوم را ضروری میکند- وجود دارد و آن این است که، مردم کردستان عراق اگر حکومت شان را نخواهند- که نمی خواهند- تکلیف شان چیست و چکار باید بکنند. در هر کشوری، اگر حکومتی پاسخ مطالبات مردم را ندهد و برای ساکت کردن آنها دست به سرکوب ببرد، مردم تلاش می کنند آن حکومت را سرنگون کنند. در کردستان عراق مردم در چنین شرایطی باید کدام حکومت را سرنگون کنند؟ حکومت اقلیم کردستان عملا دو حکومت است نه یک حکومت. بارزانی و طالبانی هر کدام بر بخشی از کردستان تسلط دارند و حکومت و پارلمان و... فقط یک شکل کارتونی است. تجربه هم این را نشان داد. هنگامیکه پارلمان کردستان بر خلاف سیاست بارزانی دست به اقدام زد، از فردای آن روز در پارلمان را قفل کردند و اعضا پارلمان خانه نشین شدند. حزب گوران که ریاست پارلمان را داشت حتی حضورشان در مناطق تحت تسلط بارزانی ممنوع شد.

رئیس پارلمان فقط تا مرز حکومت بارزانی و طالبانی میتواند سفر کند. در یک مورد که قصد داشت از این خط مرزی عبور کند و وارد منطقه تحت تسلط بارزانی بشود، نیروهای نظامی حزب حاکم اجازه ورود او به اربیل را ندادند و او را به مناطق تحت تسلط طالبانی پس فرستاند.

بنابر این اگر مردم حتی بتوانند همین احزاب را سرنگون کنند باید در هر منطقه ای بطور جداگانه حزب مسلط را ساقط کنند. تازه بعد از ساقط کردن آنها چون دولت مستقلی نیستند که مردم بتوانند دولت جدیدی را به قدرت برسانند اتوماتیک حکومت مرکزی بغداد قدرت را در دست خواهد گرفت. با توجه به همه این مشکلات لاینحل، امروز مناسبترین راه حل برای برون رفت از این بلاتکلیفی این است که طی یک رفراندوم کشور مستقل کردستان تشکیل شود. این کمک میکند که کارگران، مردم آزادیخواه و معترض و کمونیستها در شرایط بهتری برای رسیدن به مطالباتشان قرار گیرند. زیرا در آنصورت اگر قدرت داشته باشند به جای حاکمان فعلی دولت خودشان را مستقر میکنند و اگر این امکان هم نباشد یک دولت، حال هر دولتی، موظف به پاسخگویی به مطالباتشان خواهد بود.